

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

RS

## درس‌های رویارویی ایران و اسرائیل برای آمریکا

**پل پیلاز:** زده‌خورد حملات هوایی اخیر بین اسرائیل و ایران به اندازه کافی یک رویداد برجسته است تا موجب برانگیختن تفسیرهای زیاد شده و این نکته را برجسته سازد که این رویداد نقطه عطفی در امور خاورمیانه است.

این حملات در واقع آنقدر مهم هستند که پیامدهایی گسترده‌تر از آسیب فیزیکی ایجاد کنند. اما مهم است که در این نقطه عطف اغراق نکرده و درک کنیم که این رویداد چه در س‌هایی برای سیاست آینده ایالات متحده در قبال خاورمیانه در خود دارد. اگر چه رگبار موشکی ایران در ۱۳ آوریل به عنوان اولین حمله مستقیم ایران به خاک اسرائیل برجسته شده است، اما بهتر است به عنوان بخشی از واکنش تدریجی به استفاده مکرر اسرائیل از خشونت، از جمله خرابکاری و ترور، در خاک ایران درک شود. حتی واکنش ایران دو هفته پیش بسیار خویشتن‌دارانه بود البته اگر فرض کنیم که ایران می‌توانست خسارت بیشتری به اسرائیل وارد کند. سرنگونی اکثر پرتابه‌ها نمی‌تواند برای رهبران ایران غافلگیرکننده باشد. آنها از توانایی‌های سیستم‌های دفاع هوایی اسرائیل که مکرراً استفاده می‌شود آگاه هستند. ایرانیان پیام خود را رساندند. آنها حمله را با پهنادهای آهسته آغاز کردند و به اسرائیل و ایالات متحده زمان دادند تا یک دفاع مؤثر را فعال کنند.

اگر ایران می‌خواست عملیاتی برای وارد کردن ضرب‌های مخرب‌تر انجام دهد، مسلماً وضعیت بسیار متفاوت بود. احتمالاً این عملیات شامل رگبار گسترده و اعلام‌نشده موشک‌های بالستیک می‌شد که فقط چند دقیقه هشدار رادری داشت. رهبران ایران احساس می‌کردند که موظف هستند به‌نحو به‌تشدیدتنش اسرائیل در حمله به خاک ایران -محوظه سفارت ایران در دمشق که اسرائیل دو هفته قبل آن را بمباران کرد و تلفات متعددی به بار آورد- پاسخ دهند، اما هیچ تمایلی برای تشدید درگیری بزرگ نداشتند. موضوع دیگری که در تفسیر مبادله آتش بین اسرائیل و ایران شنیده می‌شود این است که این حمله انتتلاف ضدایرانی مورد حمایت ایالات متحده که شامل اسرائیل و کشورهای کلیدی عربی می‌شود را به واقعیت نزدیک‌تر کرد. این تفسیر اغراق‌آمیز است. اختلافات بین اسرائیل و اعراب خلیج‌فارس در مورد سیاست‌ها در قبال ایران همچنان آشکار است، به‌طوری‌که نزدیک شدن کشورهای عربی به تهران در تضاد شدید با سیاست ادامه‌ساز اسرائیل برای ترویج انزوی حداکثری ایران است. علاوه بر این، خشم نسبت به تحمیل رنج عظیم اسرائیل به مردم نوار غزه در سراسر جهان عرب شدید است و حمله اسرائیل به غزه هیچ نشانه‌ای از پایان ندارد. محدودیت‌های شدید هر انتلاف ضدایرانی مورد حمایت ایالات متحده توسط کشورهای عربی خلیج‌فارس که به ایالات متحده هشدار داده‌اند از قلمرو یا حریم هوایی خود برای انجام هرگونه حمله علیه ایران استفاده نکنند، باز دیگر خودش را نشان داد. هدف اصلی دولت‌های عربی

در طول کل بحران اسرائیل و ایران در دو هفته گذشته، اجتناب از تشدید جنگی منطقه‌ای بوده است که می‌تواند به‌طور قابل توجهی به‌منافع اقتصادی و امنیتی آنها آسیب برساند. کمک‌هایی که اردن و تا حدی عربستان سعودی در دفاع در برابر پهناده‌ها و موشک‌های ایرانی انجام دادند در پی تحقق این هدف بود. چندین پیام‌رامی توان با اطمینان بیشتر از رویدادهای دو هفته گذشته استخراج کرد. نخست عدم تمایل ایالات متحده به «نه» گفتن به اسرائیل، رفتار بی‌پروا و بی‌ثبات‌کننده اسرائیل را تشویق می‌کند. مخرب‌ترین رفتار در طول یک سال گذشته، کاری بود که اسرائیل با نوار غزه انجام داد، اما حمله به محوظه سفارت ایران، فراتر از تصور بود. ندان چراغ قرمز را نظر تصمیم‌گیرندگان اسرائیلی به‌عنوان یک چراغ‌سبز ضمنی در نظر گرفته می‌شود. اسرائیل احساس کرده استفاده از نیروی نظامی برای تغییر روایت جواب می‌دهد و احتمالاً دوباره از این تکنیک استفاده خواهد کرد. احتمالاً هدف اولیه حمله اسرائیل به سفارت ایران، تحریک ضدحمله ایران بود که کانون توجه بین‌المللی را از حمله فاجعه‌بار اسرائیل به نوار غزه منحرف کند. این تکنیک موفق شد. پوشش رسانه‌ای و بحث‌های سیاسی درباره خاورمیانه به سرعت در مورد آنچه در غزه اتفاق می‌افتد کمتر شد و بیشتر در مورد موشک‌های ایران مطرح شد. بسیاری از این پوشش‌ها و بحث‌ها با اقدام ایران به‌گونه‌ای برخورد می‌کردند که گویی یک اقدام غیرمعمول است و به ندرت اشاره می‌کردند که این اقدام تلافی‌جویانه در پاسخ به حمله اسرائیل به سفارت ایران است. حمله با دفاع متفاوت است. اولی احتمالاً بی‌ثبات‌کننده است و دومی این‌طور نیست. مناقشه حل‌نشده اسرائیل و فلسطین همچنان منبع اصلی خشونت و بی‌ثباتی در خاورمیانه است.

دیپلماسی

DIPLOMACY



# دیپلماسی را نادیده نگیریم



محمد علی سبحانی

سفیر پیشین ایران در لبنان، اردن و قطر

وظیفه ذاتی دیپلماسی حرکت روی مسیر کاهش تنش و جلوگیری از تنش است. وقتی که تنش و درگیری وجود ندارد، دستگاه دیپلماسی باید در مسیری حرکت کند که جلوی جنگ و درگیری را بگیرد و از طریق گفت‌وگو مسائل را حل و فصل کند. وقتی مشکل، تنش و درگیری پیش می‌آید، دستگاه دیپلماسی باید از فرصت‌ها استفاده کند و تنش را کاهش دهد. رسیدن به این هدف مستلزم این است که دستگاه دیپلماسی به‌گونه‌ای در طراحی و برنامه‌ریزی عمل کند که در همه صحنه‌های تصمیم‌گیری

## سیدمحمد صدر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

در خصوص مسئولیت دستگاه دیپلماسی پس از عملیات وعده صادق:

# برجام و FATF همچنان در اولویت است

نباید روابط دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران به یکی دو کشور خاص محدود شود



شهاب شهنساری

خبرنگار گروه دیپلماسی

در پی درگیری نظامی اخیر میان ایران و اسرائیل، پس از هدف قرار گرفتن کنسول گری ایران در دمشق و پاسخ نظامی ایران به این اقدام و اقدام نظامی بعدی در اصفهان که به اسرائیل منتسب شد، به نظر می‌رسد که وضعیت درگیری مستقیم نظامی بین دو کشور پایان یافته است. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان پس از فاز نظامی، اکنون نوبت به فاز دیپلماسی رسیده است تا جمهوری اسلامی بتواند ضمن بهره‌برداری از نمایش قدرت خود در منطقه، جلوی آسیب رسیدن به منافع کشور و افزایش فشارهای بین‌المللی را بگیرد. سیدمحمد صدر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام معتقد است که در این شرایط دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران باید به شدت فعال تر شود و ضمن در پیش گرفتن دیپلماسی متوازن و متعادل با همه کشورهای جهان، به دنبال خنثی کردن تلاش‌های حامیان اسرائیل برای افزایش فشار علیه ایران باشد. این دیپلمات پیشین معتقد است که وزارت امور خارجه باید تلاش برای احیای برجام و خروج از لیست سیاه FATF را در اولویت کارهای خود قرار دهد، چراکه این دو پرونده باعث شده است که استمرار تحریم‌های گسترده علیه ایران باعث مشکلات عدیده اقتصادی برای کشور شود. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی «هم‌میهن» را با سیدمحمد صدر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و معاون پیشین وزارت امور خارجه مطالعه می‌کنید.

### برجام صحبت‌کنند؟

الان آمریکا در شرایط خاصی قرار دارد. در شش ماه گذشته هم مشخص شد که آمریکایی‌ها به دنبال مشارکت در جنگ یا گسترش بحران در منطقه نیستند و تا این حد مشخص شده است که سیاست آمریکا این است که جنگ غزه در سراسر خاورمیانه گسترش پیدا نکند، پای کشورهای دیگر به آن کشیده‌نشود و آمریکا درگیر یک منازعه جدید در منطقه نشود. در این زمینه به نظر می‌رسد که انگیزه‌های ایران و آمریکا مشابه یکدیگر باشد و ایران هم علاقه‌ای به گسترش منازعه در منطقه ندارد. اما در مورد برجام و مسائل مرتبط با آن، شاید هنوز وقت گفت‌وگو در این مورد فرا نرسیده باشد. در چارچوب تعامل دیپلماتیک شاید هم لازم نباشد که در گام نخست سراغ احیای برجام برویم. الان اولویت‌های مهمی وجود دارد. آمریکا که ۶ سال است از برجام خارج شده است و عضو این توافق نیست، این امکان وجود دارد که با طرف‌های باقی‌مانده در برجام برای اجرای احکام معطل‌مانده آن تعامل کرد و در این زمینه مذاکرات را با جدیت پی گرفت. برای این مهم لازم است که کارشناسان خبره سیاست خارجی وارد کار شوند و دولت از ظرفیت‌های دیپلمات‌های باتجربه و نخبه کشور برای مذاکرات در مورد برنامه هسته‌ای ایران استفاده کند و اجازه بدهد که چه در حوزه مذاکرات هسته‌ای و چه در حوزه خارج شدن از فهرست سیاه FATF وضعیت از حالت توقف خارج شود و کارها پیش برود.

**از نیایی شما از عملکرد ۷ ماه گذشته دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی بعد از عملیات طوفان الاقصی و جنگ غزه چیست؟**

این سوال خیلی کلی است و نمی‌توان به سادگی به آن پاسخ قطعی داد. قضایای مختلف در حوزه سیاست خارجی با هم مرتبط است. دستگاه سیاست خارجی موظف است که منافع بین‌المللی کشور را در همه حوزه‌ها با جدیت پیگیری کند. همانگونه که عرض کردم چه در حوزه برجام و FATF و چه در حوزه جلوگیری از افزایش فشار به ایران پس از پاسخ نظامی ایران به اسرائیل، دستگاه دیپلماسی باید مقتدرانه پیگیری منافع ایران باشد. در عین حال باید در حوزه‌های دیگر مانند روابط دو جانبه مثل روابط با سوریه، روابط با روسیه و چین، دستگاه دیپلماسی ما فعالانه‌تر عمل کند. مهم‌ترین مسئله این است که باید از این محدودیت‌هایی که برای سیاست خارجی ایجاد شده است، خارج شویم و باید روابط خارجی خود را خیلی جدی با همه کشورها گسترش دهیم. نباید روابط دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران به یکی دو کشور خاص محدود شود. اگر روابط ما مثل شرایط کنونی محدود باقی بماند، قدرت‌های دیگر از این محدودیت سوءاستفاده خواهند کرد. دستگاه دیپلماسی باید به صورت جدی در این زمینه‌ها فعال شود و تغییرات جدی به وجود بیاورد.

**بعضی از کارشناسان معتقدند که بعد از پاسخ نظامی ایران به اسرائیل ممکن است این تصور در بین کشورهای همسایه به‌خصوص کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس ایجاد شود که قدرت نظامی و قدرت موشکی و پهپادی ایران را تهدیدی برای خودشان تلقی کنند. فکر می‌کنید آیا ممکن است بتوان سازوکاری ایجاد کرد که به این کشورها نشان داد ایران تهدیدی برای کشورهای همسایه و منطقه محسوب نمی‌شود؟ بخشی از این تصورات ناشی از تبلیغات است. کشورهای**

قدرت‌های جهانی و قدرت‌های منطقه‌ای حضور داشته‌باشد. یکی از اشکال‌هایی که سیاست خارجی ما دارد این است که تحت تاثیر نهادهای بیرونی قرار گرفته‌است و در انجام وظایف ذاتی خودش دچار مشکل شده است. گاهی مشاهده می‌کنیم که به وزارت امور خارجه و دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی حمله می‌شود که چرا اقدام مشخصی را انجام نداده است یا جلوی مشکلاتی را که پدید آمده است، نگرفته‌اند.

در عین حال که برخی از این انتقاده‌ها به دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی وارد است، اما واقعیت این است که ساختار حکومتی، وجود برخی ملاحظات، نقش نهادهای قدرت سخت در مسائل منطقه و گریز از مرکز قدرت سخت باعث شده است که اساساً نقش وزارت امور خارجه در جریان برخی پرونده‌ها نادیده گرفته‌شود. در خیلی از فعالیت‌هایی که جریان دارد، وزارت خارجه گه‌گاه بی‌اطلاع است، یا دیر مطلع می‌شود. در

منطقه به خوبی می‌دانند که تاریخ ایران نشان داده است که ایران هرگز در سده‌های اخیر تهاجمی وارد یک درگیری و بحران نشده است. ایران اگر مورد حمله نظامی واقع شده باشد از خود دفاع می‌کند، این موضوع را در قضیه عراق شاهد بودیم و اخیراً هم در مقابل تعرض نظامی اسرائیل به کنسول گری ایران در دمشق مشاهده کردیم. ولی ایران هرگز تهدیدی برای همسایگان نبوده است. ایران همواره دعوت کرده است که سازوکار امنیتی مشترکی برای تضمین امنیت کشورهای همسایه ایجاد شود. الان هم دستگاه دیپلماسی ایران باید فعال‌تر از گذشته تلاش کند تا به همسایگان نشان دهد که اگر ایران یک نیروی نظامی قوی دارد، اگر توان موشکی و پهپادی دارد، این ظرفیت‌ها می‌تواند در راستای تامین امنیت منطقه به کار رود. این تر کلی ایران که امنیت منطقه باید توسط کشورهای منطقه تامین شود، می‌شود با دیپلماسی فعال و تعامل با کشورهای همسایه و دولت‌های جنوب خلیج‌فارس، آنها را به این نتیجه برسانیم که باید سازوکار امنیت جمعی در منطقه ایجاد شود و آنها را قانع کنیم که نیازی به حضور نیروهای خارج از منطقه نیست و کشورها خودشان می‌توانند امنیت منطقه را تامین کنند.

**در منطقه غرب آسیا ایران و اسرائیل چهار دهه است که با هم خصومت دارند. این منازعه برای نخستین بار در طول هفته‌های گذشته ماهیت مستقیم و رودررو پیدا کرد. فکر می‌کنید آیا امکان تکرار این منازعه مستقیم و تبدیل شدن آن به یک جنگ تمام‌عیار وجود داشته‌باشد؟**

آینده منازعه ایران و اسرائیل بستگی به عملکرد طرف مقابل دارد. ایران در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از آغاز جنگ غزه نشان داده‌بود که صبر استراتژیک در پیش گرفته است. اسرائیل به شیوه‌ای عمل کرد که ایران استراتژی اش را کنار گذاشت و وارد کار کرد و در حالت تهاجمی نشود. اگر اسرائیل اشتباه قبلی خود را تکرار کند، طبیعی است که مورد حمله ایران واقع خواهد شد. به اعتقاد من آینده این رویارویی کاملاً به عملکرد طرف مقابل بستگی دارد.

**عملیات وعده صادق تا چه اندازه باعث شد که اسرائیلی‌ها نسبت به عملکرد دشان در آینده محتاط‌تر شوند؟**

بسیار مؤثر بود. اسرائیلی‌ها باور نمی‌کردند که ایران دست به اقدامی چنین گسترده در واکنش به اقدامات آنها برند. اسرائیل بعد از جنگ ۱۹۷۳ پوشش امنیتی قدرتمندی برای خودش ایجاد کرده‌بود و هم متحدانش چه در غرب از طرف آمریکا و اروپا و چه در شرق از طریق شوروی و بعد از آن روسیه، کمک‌های گسترده نظامی و دفاعی در اختیار اسرائیل قرار می‌دادند. قدرت‌های جهانی پذیرفته‌بودند که موجودیت اسرائیل و امنیت اسرائیل از اولویت‌های اصلی خودشان است. این موضوع در آمریکا به یک سیاست دو حزبی و اجماعی تبدیل شده بود و کار تا جایی پیش رفت که از اسرائیل با عنوان ایالت پنجاه و یکم آمریکا یاد می‌شد. در نیم قرن گذشته به جز یک مورد پرتاب موشک‌های عراق به سمت اسرائیل، هیچ حمله‌ای به اسرائیل نشده‌بود و اسرائیل تصور می‌کرد که سازوکار بازدارندگی اش صدرصد موفق بوده است. برای کل قدرت‌های جهانی، به‌ویژه آمریکا جا افتاده بود که اسرائیل باید از لحاظ نظامی و به‌خصوص از نظر توانمندی نیروی هوایی از همه کشورهای منطقه قوی‌تر باشد. پاسخ نظامی ایران نشان داد که

نگاه

دیپلمات

۲

نگاه

دیپلمات

۱